



آیت‌الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی، از فقها و اصولیین، عارف، حکیم، شاعر و فیلسوف در سال 1296 قمری در کاظمین به دنیا آمد. پدرش حاج محمدحسن معین‌التجار مشهور به کمپانی از تاجران مشهور آن شهر و مردی پارسا و بسیار با تقوا بود. شیخ محمدحسین که در خانواده ثروتمند و متمکن زندگی می‌کرد، از این موقعیت در راه تحصیل علم و علوم استفاده نمود. تحصیلات مقدماتی را در محضر شیخ محمد حسن تویسرکانی شروع نمود و تا سن بیست سالگی آنرا کامل کرد.

ایشان برای ادامه تحصیل حوزوی از کاظمین به نجف اشرف رفت و آنجا به تحصیل فقه و اصول پرداخت. از اساتید ایشان می‌توان به آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی فشارکی، حاج آقا رضا همدانی، حکیم محمدباقر اصطهباناتی شیرازی، شیخ احمد شیرازی و شیخ محمدکاظم خراسانی اشاره کرد، که مرحوم کمپانی یکی مشهورترین شاگردان صاحب کفایة الاصول در طی سیزده سال بود و بعد از فوت مرحوم آخوند، شروع به تدریس کرد و چندین بار دوره‌های اصول و فقه مکاسب را درس داد و بسیاری از علمای منقول را تربیت کرد.

زهد و تقوا

یکی از علمای نجف به نام حاج سیدمحمدرضا خلخالی می‌گوید: "من روزی در بازار حویش می‌رفتم که دیدم آقای حاج شیخ محمدحسین در وسط کوچه خم شده است و پیازها را جمع می‌کند و پیوسته با خود می‌خندد. من جلو رفتم، و سلام کردم، و به ایشان کمک کردم تا پیازها را جمع نمودیم. آنگاه آنها را در گوشه قبایش گرفت و به منزل روانه شد. من عرض کردم: حضرت آیت‌الله معلوم بود که پیازها از گوشه قبای شما ریخته است ولی برای من خنده شما نامفهوم ماند!"

آن مرحوم فرمود: "من وقتی در جوانی برای تحصیل وارد نجف شدم خیلی مرفه بودم، روزی در مقابل ضریح مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) مؤدب ایستاده بودم و مشغول زیارت بودم که بند تسبیح قیمتی من پاره شد و دانه‌های آن به روی زمین حرم ریخت. در آن روز عزت نفس و یا خودخواهی به من اجازه نداد، تا خم شوم، و دانه‌ها را جمع کنم. اما امروز به دگان بقالی رفتم و قدری پیاز خریدم و در گوشه قبای خود ریختم و اطراف آن را با دست گرفتم، تا به منزل برم. در همین جا که سر چهارراه بود و در میان جمعیت مردم، قبا از دست من یله شد و پیازها به روی زمین ریخت. من خم شدم و پیازها را جمع کردم و آبداً برای من این مسئله مشکل نبود، بلکه بسیار آسان و قابل تحمل بود. و علت خنده من آن بود که: در همان وقت من به یاد دوران جوانی و پاره شدن تسبیح قیمتی که ارزش هر دانه‌اش یک دینار بود افتادم که آن روز از آن تسبیح که یکصد دینار قیمت داشت گذشتم و لله الحمد و له الشکر که امروز جمع آوری پیازهای ریخته از گوشه قبا بر روی زمین، برای من سنگین نیست و بسیار آسان و قابل تحمل است."

از نگاه فرزندانگان

در تجلیل و تمجید از مقام علمی و معنوی مرحوم غروی اصفهانی سخنان رسایی از بزرگان و صاحبان نظر نقل شده است که همه حاکی از اخلاص و نبوغ فکری اوست، از جمله:

آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی: "شیعه در دوپست سال اخیر، فردی به جامعیت مرحوم اصفهانی به خود ندیده است." چنانچه پس از وفات میرزای نایینی اعلامیه‌ای به امضای مرحوم ملکی تبریزی و حضرات آیات آقای میلانی و آقای خویی به این مضمون انتشار یافت که: "بعد از مرحوم شیخ انصاری در این اواخر نظیر آیت‌الله غروی اصفهانی در روحانیت تشیع پیدا نشده و در حوزه نجف اشرف نظیر ایشان نیست."

آیت‌الله علامه سیدمحمدحسین طباطبایی می‌فرماید: "استاد بزرگ، حکیم خدانشناس و فقیه پارسا و دایرمدار آسمان پژوهش و تحقیق، و سالک و مرزبان سرزمین دانش و تدقیق، شیخ محمدحسین اصفهانی غروی است که خدا مقام بلندش را بلندتر سازد."

علامه ادیب محمد علی اردوبادی نیز می‌نویسد: "استاد بزرگ ما، یکه سوار هر میدان بود از هر نظر بی‌نظیر می‌نمود. و نسبت به هر فضیلت به او مانند نسبت دندان به شانه است... و در هر یک از دانشهای حکمت، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حدیث، شعر و ادب، تاریخ، معارف، اخلاق و عرفان به طور مساوی وارد بود."

استاد و محقق بزرگوار علامه سیدعبدالعزیز طباطبایی یزدی: "من در تاریخ تشیع، فیلسوفی متعبدتر از آیت‌الله شیخ محمدحسین اصفهانی نمی‌شناسم. او عاشق دعا و عبادت و شیفته نماز و زیارت بود. به اهل بیت اطهار (ع) ارادت ویژه‌ای داشت." همچنین شهید استاد مرتضی مطهری می‌نویسد: "حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی، در تقوا و علم منقولا و

معقولا یگانه بود... و اندیشه‌اش هم اکنون جزو اندیشه‌های زنده‌ای است که در میان علما و فضلاء حوزه‌های درس فقه و اصول مطرح است."

آثار و شاگردان

مهمترین امتیازی که در آثار این عارف عالم دیده می‌شود استدلالی و ابتکاری بودن آنهاست که حکایت از ژرف‌نگری و دقت نظر او می‌کند. از جمله تالیفات این عالم عارف عبارتند از:

الاجتهاد و التقليد و العدالة، نهاية الدرايه في حاشيه الكفايه، اصول الفقه در تهذيب و تلخيص علم اصول به اسلوب جديد، حاشيه بر رساله "قطع" شيخ انصاري، رساله‌ای در اجتهاد و تقليد، رساله‌ای در نماز جمعه، طهارت، نماز مسافر، رساله‌ای در تحقيق حق و حکم، رساله در موضوع علم، رساله در معاد، رساله در صحيح و اعم، الوسيله توضيح المسائل به زبان عربي، ذخيره العباد توضيح المسائل فارسي، منظومه‌ای در بيست و چهار رجز در مدح رسول اکرم و مراثی ائمه معصومين، منظومه‌ای در روزه، منظومه‌ای در اعتكاف، ديوان شعر فارسي و غزلهاي عرفاني، ديوان شعر در مديح و مراثی اهل بيت(ع)، "تحفة الحكيم" که منظومه‌ای است در فلسفه و حکمت متعالیه، حاشیه بر اسفار ملاصدرا و تفسیر قرآن این تفسیر. اما شاگردان حضرت استاد بسیار بوده‌اند، عجیب اینکه در میان شاگردان، از مرجع تقلید و فقیه و فیلسوف گرفته تا مفسر و محدث و متفکر و نویسنده و عارف و واعظ و ... را می‌توان دید که همگی به نوعی به شاگردی غروی اصفهانی مباحث می‌کرده‌اند. اکنون برخی از این بزرگواران را نام می‌بریم:

سیدمحمد حجت کوه کمري، سیدحسین طباطبایی بروجردي، سیدمحمدهادی میلانی، سیدابوالقاسم خوبی، سیدعبدالاعلی سبزواری، شیخ محمدتقی بهجت فومنی رشتی، شیخ ابوالفضل خوانساری، شیخ ابوالحسن شیرازی، آقا میرزا کاظم دینوری تبریزی، سیدمهدی اشکوری نجفی، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، علامه شیخ عبدالحسین امینی تبریزی، شیخ محمدرضا مظفر، شیخ محمدحسین مظفر، سیدامیر محمد کاظمی قزوینی، شیخ محمود شریعت مهدوی و شاگردان برگزیده و خصوصی عرفان حکیم غروی اصفهانی که مدت طولانی در درس عرفان ایشان حضور داشتند، عبارت بودند از: علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی، سیدمحمدهادی میلانی، سیدابوالقاسم خوبی، میرزا یوسف ابروانی، امام زنجانی و اعتماد رشتی.

وفات

پنجم ماه ذیحجه سال 1361 قمری در روز دوشنبه‌ای بود که از فراز بارگاه قدس مولا علی(ع) خبر وفات بزرگ استاد نجف به گوش همگان رسید. تشییع پیکر نابغه نجف آن بزرگ‌مرد علم و عرفان برگزار شد و در آستان قدس علوی، زیر ایوان طلای مولا متقیان علی(ع) در مقبره کوچکی در کنار مقبره علامه حلی به خاک سپرده شد.

نمونه‌ای از اشعار حضرت استاد، در مدح اشرف مخلوقات حضرت محمد مصطفی(ص)

اي فيض مقدّس از شوائب وي نور مهذب از غياهب
ارواح ز فيض تو در أشباح اي مظهر واهب المواهب
آفاق به نور تو منور ايشمس مشارق و مغارب
ايجاد تو منتهي المقاصد ابداع تو غاية المطالب
جلّ الملك البديع صنه ما اودع فيك من عجائب!
يا من بغنائه الرواحل حلّت و أنيخت الركائب
خر گاه تو مطرح الاماني در گاه تو معقل الرغائب
با شأن تو چیست این مديح؟ با قدر تو چیست این مناقب؟

فرموده بشأنت ايزد پاك

لولاك لما خلقت الافلاك

منابع:

نقباء البشر، آغابزرگ تهرانی.

نور علم، دوره چهارم، شماره چهارم.

کيهان اندیشه، دوره پنجم، شماره بیست و ششم.

خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، انتشارات صدرا.

گنجینه دانشمندان، محمدشريف رازی، کتابفروشی اسلامیه.

علماء معاصرین، علی خیابانی تبریزی، تبریز، نشر اسلامیه.

گردآوری و تنظیم: سیدمحمد ناظم‌زاده قمی

منبع: ابنا